

پاسخ به پرسش‌ها و شبهات منتخب*

امی بودن رسول خدا ﷺ، گویاترین دلیل بر وحیانی بودن قرآن

شبهه ۱: در آیه ۴۸ سوره عنکبوت، بی‌سوادی پیامبر اسلام به‌عنوان دلیلی برای نبوت ایشان مطرح شده است که خداوند قرآن را بر فردی نازل کرده که نه خواندن می‌دانست و نه نوشتن. این ویژگی او موجب شد تا هیچ‌کس در حقانیت این کتاب تردید نداشته باشد؛ زیرا فرد بی‌سواد نمی‌تواند چنین کتاب عظیمی را از خود خلق کند، اما برخی بر این باورند که پیامبر می‌توانست این مطالب را از فرهنگ‌های موجود در آن زمان، از جمله یهودیان و مسیحیان، یاد بگیرد و هیچ نیاز به وحی و کلام الهی نبوده است. به‌علاوه پیامبر در سفرهای تجاری‌اش با افراد باسواد تماس داشت و ممکن است مطالب این کتاب را از آنان آموخته باشد.

مقدمه

زبان عربی در دوره نزول قرآن، در فنون بلاغت و فصاحت بی‌نظیر بود. در این زمان، بسیاری از ادیبان و سخنوران برجسته‌ای وجود داشتند که در عرصه سخنوری بسیار توانمند بودند، اما قرآن که بر پیامبر درس‌نخوانده نازل شد، تمامی این سخنوران را به حیرت انداخت. با وجود این، برخی از مخالفان، قرآن را به‌عنوان کلامی شاعرانه یا جادویی به پیامبر نسبت می‌دادند. خداوند با مطرح کردن ویژگی «امی بودن» پیامبر، به این نکته اشاره می‌کند که این پیامبر هیچ‌گاه فنون بلاغت و فصاحت را نیاموخته و از هیچ معلمی تعلیم

*. گروهی از پژوهشگران مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)، گروه قرآن و حدیث.

ندیده، کتابی آورد که نه تنها توانمندان آن زمان را به حیرت انداخت، بلکه آنان را وادار به اعتراف به بشری نبودن این کلام کرد.

نقد و بررسی

۱. چرایی امی بودن رسول الله ﷺ

خواندن و نوشتن به عنوان کمال برای هر انسان محسوب می‌شود، اما در شرایطی خاص، نداشتن سواد می‌تواند دلیل بر کمال باشد. پیامبر اسلام ﷺ هیچ‌گاه در مدارس یا نزد استادان آموزش ندیده بود. اگر یک فرد با تحصیلات عالیه، ادعا می‌کرد که پیامبر است و کتابی می‌آورد، ممکن بود برخی شک کنند که این کتاب از اندیشه‌های خود او یا دیگران است (عنکبوت: ۴۸)، اما از آنجایی که پیامبر اسلام، فردی بی‌سواد و ناآگاه از فنون کلامی و علمی بود، این ویژگی او به عنوان شاهی بر حقانیت وحی مطرح می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۳۰۶). امام رضا (علیه السلام) در مناظره با علمای ادیان خطاب به رأس الجالوس (عالم یهودی) فرمود: «از جمله دلایل صدق پیغمبر ما آن است که او شخصیتی یتیم، تهیدست و چوپان بود، هیچ کتابی نخوانده و نزد هیچ استادی نرفته بود، باین حال کتابی آورد که حکایت پیامبران و خبر گذشتگان و آیندگان در آن آمده بود» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ق، ۱، ص ۱۶۷).

۲. شهادت تاریخ، گویاترین دلیل بر امی بودن رسول خدا ﷺ

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زندگی رسول خدا این است که او هیچ‌گاه در مدرسه یا محضر استادی نرفته بود. این واقعیت از طریق تاریخ ثابت شده است؛ زیرا هیچ‌کدام از مسلمانان (طوسی، ۱۴۰۹، ق، ۸، ص ۲۱۶) یا غیرمسلمانان و تاریخ‌نگاران دنیا ادعا نکرده‌اند که او از کسی خواندن یا نوشتن آموخته باشد. کارلایل، مورخ مشهور، در کتاب **ابطال** می‌نویسد: «محمد هیچ‌گاه درسی از هیچ استادی نیاموخته است» (کارلایل، ۱۳۴۹، ق، ۱، ص ۵۷).

۳. معارف همسو در ادیان بیانگر و حیانی بودن قرآن

ادیان الهی از یک منبع مشترک نشئت گرفته‌اند و در همین راستا برخی از آموزه‌ها و معارف مشترک در آن‌ها وجود دارد. قرآن با اشاره به این مشترکات، بر این نکته تأکید دارد که این معارف از یک منبع الهی نشئت گرفته‌اند. به همین دلیل، مشابهت‌های موجود در

قرآن و کتاب‌های آسمانی دیگر نمی‌تواند دلیل بر اقتباس از آنها باشد، بلکه نشان‌دهنده وحدت منبع الهی است. رزنتال، اندیشمند خاورشناس، می‌نویسد: «مهم نیست که چه شواهدی برای تأثیر عوامل خارجی بر محمد پیدا شود. هیچ‌یک از این عوامل نمی‌تواند موفقیت او را در ایجاد چیزی که تأثیر جاودانه‌ای بر بشر گذاشته است، توضیح دهد» (Torrey, p. xvii).

۴. هم‌اوردطلبی قرآن اثبات‌کننده و حیانی بودن آن

قرآن نه تنها از نظر محتوایی، بلکه از نظر ساختار نیز منحصر به فرد است. خداوند در قرآن از مردم می‌خواهد که اگر در حقیقت و حیانی بودن آن شک دارید، سوره‌ای همانند آن بیاورید و گواهان خود را بخوانید، غیر از خدا، اگر راست می‌گویید (بقره: ۲۳؛ یونس: ۳۸). این دعوت به تحدی، بهترین شاهد بر غیربشری بودن قرآن است. خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «بگو اگر انسان‌ها و جنیان گرد هم آیند تا مانند این قرآن بیاورند، هرگز نمی‌توانند مثل آن را بیاورند، حتی اگر یکدیگر را یاری کنند» (اسرا: ۸۸).

۵. شکست هم‌اوردان، دلیل دیگری بر و حیانی بودن قرآن

در طول تاریخ، افراد بسیاری از دانشمندان و ادیبان به چالش‌های قرآن پاسخ داده‌اند، اما در نهایت همگی اعتراف کرده‌اند که قرآن کلام بشری نیست. افرادی چون ولیدبن مغیره (ابن هشام، ج ۱، ص ۲۸۸؛ غزالی، ۱۳۵۸ ق، ج ۱، ص ۲۸۱)، عتبه‌بن ربیع و نضر بن حارث در میان مشرکان قریش، از بزرگ‌ترین سخنوران عرب بودند، اما نتوانستند به چالش قرآن پاسخ دهند (ابن هشام، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۲۰). حتی بسیاری از دانشمندان غربی نیز به عظمت قرآن و غیربشری بودن آن اعتراف کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، جان دیون پورت در کتاب عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن می‌نویسد: «همه اذعان دارند که قرآن با فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین زبان به لهجه قریش نازل شده و پر از درخشنده‌ترین تشبیهات و محکم‌ترین معانی است» (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۳۶).

آموزه‌های قرآن واقع‌گرا نه اسطوره

شبهه ۲: قرآن به شکل افراط‌گرایانه‌ای به اسطوره‌پردازی تمایل دارد و اهمیتی به واقعیت‌های تاریخی نمی‌دهد. در این کتاب، مرز میان اسطوره و تاریخ از بین رفته، تا جایی

که تمایز رویدادهای واقعی از داستان‌های نمادین ناممکن می‌شود. قرآن تنها تا زمانی از علم و استدلال عقلی دفاع می‌کند که بتواند باورهایش را تأیید کند، اما هرگاه علم و عقل با آن در تعارض قرار گیرند، به «عقل محض» (که ویژه صاحب‌منصبان دینی است) متوسل شده و علم را خطاپذیر می‌خواند. برای نمونه، وقتی قرآن از نقش خورشید و ماه در محاسبه زمان سخن می‌گوید، هدفش اسطوره‌سازی از محمد ﷺ و مصادره دستاوردهای تمدن‌های دیگر (مانند بابلی‌ها، مصری‌ها، ایرانیان، چینی‌ها و یونانیان که از سال خورشیدی بهره می‌بردند) به سود خود است. باید پرسید در چنین سخنانی چه حقیقت تاریخی‌ای وجود دارد که قرآن به آن توجه کند.

مقدمه

هدف از بعثت پیامبر ﷺ و نزول قرآن، هدایت مردم، دعوت به راه حق و تصحیح حقایق تحریف شده و عقاید ناروا است. آیا هدایت مردم از طریق امور باطل و خلاف واقع ممکن است؟ آیا می‌شود از قصه‌های دروغ و مطالب موهوم، بهره‌برداری هدایتی درازمدت و پایدار کرد؟ آیا چنین روشی با هدف نزول قرآن و بعثت پیامبر ﷺ سازگار است؟ آیا بودن مطالب علمی و داستان‌ها در کتاب‌های پیش از قرآن به این معناست که قرآن اسطوره است یا خود این مطالب، دلیل حقانیت قرآن است که برای هدایت بشریت، آن‌ها را تکرار می‌کند؟

نقد و بررسی

۱. واژه‌شناسی اسطوره

اسطوره از ریشه سطر به معنای سخن پریشان، بیهوده، بیریشه، دروغ و سخنان باطلی که نظمی در آن‌ها نیست، می‌باشد (جوهری، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۵۵۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۲۵۷). اسطوره به داستانی گفته می‌شود که از نقطه نظر تاریخی، حقیقت ندارد (حسینی، ص ۱۸۸)، اما برخی بر این باورند که اسطوره همواره بازگوکننده چیزی است که به واقع روی داده است و به‌عنوان نماد و ایده و آرمان حقیقی مطرح است (میرچا الیاده، ص ۱۶؛ حسینی، ص ۱۰۵).

قرآن ضمن گزارش دیدگاه مشرکان مبنی بر اسطوره‌انگاری معارف قرآنی، به شدت با آن برخورد می‌کند، چون منظور آنان از اسطوره، طرح برخی از داستان‌ها و توصیف برخی شخصیت‌ها به‌عنوان يك ایده و آرمان است؛ بدون این‌که واقعیت خارجی داشته باشد و قرآن خود را نه اساطیر و بلکه وحی الهی، سخنی به‌حق و به دور از هرگونه غیرواقعی بودن معرفی می‌کند (انعام: ۲۵؛ انفال: ۳۱؛ نحل: ۲۴؛ مؤمنون: ۸۳؛ فرقان: ۵؛ نمل: ۶۸؛ احقاف: ۱۷؛ قلم: ۱۸؛ مطفین: ۱۳).

۲. قرآن بیانگر واقعیت‌ها

قرآن هرگز امر تمثیلی و غیرواقعی را واقعی جلوه نمی‌دهد و اگر بخواهد امر واقعی اتفاق افتاده را بیان کند، به‌عنوان نیکوترین قصه بیان می‌کند (یوسف: ۳)؛ داستان انبیای گذشته را امر واقعی می‌داند که با وحی الهی بیان شده است (آل عمران: ۴۴).

قرآن به دلیل آن‌که حق است و حکمت، هیچ‌گاه حق و باطل، و واقعی و غیرواقعی را به هم نمی‌آمیزد (فصلت: ۴۲) و از مطالبی غیرواضح دور است (کهف: ۱؛ زمر: ۲۸). قرآن کتاب عمل است، از هر موضوعی که سخن می‌گوید و به هر بحثی که وارد می‌شود، واقعیت‌ها را دنبال می‌کند (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱، ص ۲۹۰). قرآن از گذشتگان می‌گوید، اما:

- داستان‌سرایی نمی‌کند؛ یعنی داستان‌های قرآن واقعی‌اند، نه افسانه و اسطوره.
- تاریخ نمی‌گوید، برای همین افراد، مکان‌ها و زمان‌ها برای او اهمیت ندارند.
- مرزهای زمان فرومی‌ریزد و تاریخ تکرار می‌شود، قصه همان قصه است، در يك سو جاهلیت ایستاده و در سوی دیگر توحید.

• قرآن این تجارب واقعی بشر را می‌نماید تا توشه‌ای باشد برای روندگان، بشارتی برای ضعیفان و تهدیدی برای عصیانگران (نفیسی، ۱۳۷۹، ص ۳۳۸؛ رضائی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۳).

قرآن از دل واقعیت به درون حقایق متعالی، راهی باز می‌کند تا واقعیت و پیام را با هم جمع کند (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱، ص ۲۹۲).

۳. شواهد واقع‌نمایی آموزه‌های قرآنی

۱،۳. اصل اولیه در سیره عقلایی، دلالت واژه‌ها و جمله‌ها بر مفاهیم حقیقی و اراده مدلول ظاهری آن‌ها است، مگر زمانی که گوینده با لفظی یا اشاره و یا قرینه‌ای دیگر بفهماند که

ظاهر مراد او نیست و معنای دیگری را اراده کرده است (آریان، ۱۳۸۰، ص ۶۲؛ جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۲۳).

۲,۳. یکی از بهترین راه‌های دستیابی به مقصود گوینده و این‌که آیا او از گفتارش قصد واقع‌نمایی را دارد یا نه، مراجعه به کلام خود او و جست‌وجو از شواهدی دال بر این امر، در گفتار گوینده است؛ با مراجعه به آیات قرآنی می‌توان، قصد خداوند را دریافت و پی‌برد که خداوند در گفتارش قصد واقع‌نمایی دارد (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ص ۳۶۱؛ طباطبایی، ۱۴۲۱، ج ۲۰، ص ۲۶۱).

۳,۳. کاربرد صدق (انعام: ۱۱۵؛ زمر: ۳۳) درباره قرآن، یکی از دلایل واقع‌نمایی قرآن است؛ زیرا صدق در جایی معنا دارد که سخن از واقع‌نمایی باشد و در قضایای اسطوره‌ای و احساسی، صدق جایی ندارد (ساجدی، ۱۳۸۱، ص ۳۶).

۴,۳. آیات قرآن با صراحت تمام اسطوره‌انگاری محتوای خود را رد می‌کند و به شدت با کافرانی که قرآن را اسطوره می‌پنداشتند، برخورد می‌کند (فرقان: ۱-۶؛ انعام: ۲۱-۲۶).

۵,۳. هدف اساسی و اصلی گزارش تاریخ پیشینیان در قرآن، عبرت‌آموزی از سرگذشت آنان است و عبرت‌آموزی از تاریخ، زمانی معنا دارد که این گزارش‌ها واقع‌نمون باشد نه اسطوره (ساجدی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۶؛ سبحانی، ۱۳۷۰، ج ۱۱، ص ۱۱).

۴. جایگاه اندیشه در قرآن

قرآن با توجه دادن انسان‌ها به تفکر در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، بشر- را به تفکر در طبیعت دعوت می‌کند و عهده‌دار فراهم آوردن زمینه فعالیت و شکوفایی آن هم می‌شود؛ میدان را برای او باز می‌گذارد تا با تحقیق علمی، تجربه‌اندوزی و آزمایش به نتیجه برسد، روش درست اندیشیدن را نیز به او می‌آموزد و آن را از بندهای خرافه و اسطوره و خیال می‌رهاند، عقل را آزاد می‌گذارد تا در طبیعت به تحقیق و تجربه پردازد و در نهایت آزادی در آن به فعالیت و تحقیق پردازد و به نتایجی که از راه این تجربه به دست آورده، پایبند باشد (نفیسی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹).

قرآن کریم، پس از بیان چگونگی خلقت آسمان و زمین، توالی ایام، حرکت کشتی‌ها، نزول برکات آسمانی و معلّق بودن ابرها بین آسمان و زمین، خردگرایی را نتیجه توجه به این

نشانه‌ها می‌داند: «هماهنگی میان عناصر طبیعی، نشان‌دهنده حاکمیت، قدرت و اراده خدای یکتا است. برای کسانی که تعقل و اندیشه می‌کنند» (بقره: ۱۶۴).

پیامبران علیهم‌السلام برگزیدگان خدا برای هدایت بشر همراه با آموزه‌های وحیانی

شبهه ۳: دلایل متعددی نشان می‌دهد که مسیر پیامبری از زمین به آسمان است و نه برعکس؛ بنابراین پیامبران برگزیدگان خدا نبوده‌اند، بلکه خودشان احساس مسئولیت کرده‌اند تا جامعه‌شان را از مشکلات نجات دهند. اگر پیامبران برگزیدگان خدا هستند و کتاب‌های مقدس سخنان خداوند است، چرا تفسیرهای متعددی از آن وجود دارد؟ این وضعیت منجر به اختلافات نظری و عملی در میان پیروان هر دینی شده است و به نوعی موجب تضعیف روشنی پیام خداوند می‌شود.

مقدمه

ویژگی‌هایی که در قرآن آمده است، نشان‌دهنده الهی بودن آن و برگزیده الهی بودن پیامبری است که این قرآن را برای بشریت آورده است. قرآن در همه عصرها مردم را به دین اسلام دعوت کرده و بر حقانیت آن استدلال می‌کند. قرآن، معجزه جاودان پیامبر خدا است. آسمانی بودن دین به این معناست که آورنده آن باید همراه با معجزه باشد و معجزه بودن قرآن از راه‌های مختلف اثبات شده است. مهم‌ترین دلایل این معجزه بودن عبارت‌اند از: ۱. چالش‌طلبی قرآن در برابر بشر- و عدم توانایی آنان در پاسخ‌گویی، ۲. امی بودن حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۳. عدم اختلاف در قرآن.

از این‌رو، در معجزات مدعی نبوت باید دیگران را به مقابله و مبارزه دعوت کند و با انجام کاری فوق‌العاده و اثبات ناتوانی دیگران، ادعای خود را ثابت کند.

۱. براهین الهی و وحیانی بودن قرآن

۱/۱. هم‌اوردطلبی برای آوردن مثل قرآن

قرآن احتجاج خداوند برای پیامبرش در برابر بشریت است و پیامبر بر حقانیت خود یقین داشته و به همین دلیل، همه را دعوت کرده تا اگر در وحیانی بودن قرآن شک دارند،

همانند آن را بیاورند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۵۷). در قرآن آمده است: «و اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید، یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید اگر راست می‌گویید» (بقره: ۲۳؛ یونس: ۳۸) و گاهی با دعوت به آوردن مثل قرآن (اسراء: ۸۸) یا ده سوره، دعوت کرده است (هود: ۱۳). این چالش‌طلبی بهترین دلیل است که قرآن ساخته دست بشر نیست و هیچ‌کس توانایی آوردن مشابه آن را ندارد.

۲/۱. شکست هم‌آوردان دلیلی دیگر بر وحیانی بودن قرآن

سخنوران و ادیبان در طول تاریخ به چالش قرآن پاسخ داده‌اند و پس از شکست در این مبارزه، اعتراف کرده‌اند که قرآن کلام بشری نیست. شخصیت‌هایی مانند ولیدبن مغیره، عتبه‌بن ربیعہ (ابن‌هشام، ج ۱، ص ۲۸۸؛ غزالی، ۱۳۵۸ ق، ج ۱، ص ۲۸۱) و نصر بن حارث از بزرگان قریش در برابر قرآن درمانده شده‌اند (ابن‌هشام، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۲۰؛ سیوطی، ج ۶، ص ۲۸۳؛ طبری، ۱۳۵۸ ق، ج ۲، ص ۴۶۳، ۴۸۶، ۵۰۴ و ۵۰۸). دانشمندان غربی در عصر - مدرن نیز به اعجاز قرآن اعتراف کرده‌اند (واگلیری، پیتا، ص ۳۵؛ کارلیل، الإبطال، ۱۳۴۹ ق، ص ۵۷). برای مثال جان دیون پورت در کتاب خود نوشته است که قرآن با بلاغت و فصاحت خاصی نازل شده و از نظر محتوا، بی‌نظیر است. همچنین دکتر لورا واگلری تصریح کرده که قرآن به‌عنوان بزرگ‌ترین معجزه اسلام، اثری است که به هیچ‌وجه ساخته محمد ﷺ نبوده است (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۳۶).

۲. قرآن نمره ۲۳ سال نبوت الهی حضرت محمد ﷺ

دانشمندان غیرمسلمان که قرآن را به دور از تعصبات دینی مطالعه کرده‌اند، اعتراف کرده‌اند که قرآن واقعه‌ها و نمایانگر حقیقت است. این کتاب از اندیشه‌های بشری و تأثیرات دیگر ادیان متأثر نشده است (پورت، پیتا، ص ۱۱۱؛ حسینی، ۱۳۵۸، ص ۱۴۱). توماس کارلایل، مورخ معروف انگلیسی، درباره رسول خدا ﷺ می‌نویسد: «این شخص، از سرچشمه بی‌پایان هستی پیام آورده است. ما نمی‌توانیم او را مرد دروغ‌گو بنامیم؛ پیام و سخن او جز حق محض نبوده است» (کارلیل، ۱۳۴۹ ق، ص ۵۷).

هوستون اسمیت، استاد دانشگاه، نیز بیان کرده که کتاب‌های مقدس یهود و مسیحیان هرچند وحیانی بودند، اما در طول زمان دچار تحریف شدند، درحالی‌که قرآن از این تحریفات مبرا است (اسمیت، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

۳. راز اختلاف مفسران در بیان مراد الهی از آیات قرآن

۱٫۳. نیازها و ضرورت‌های هر عصر

هر دوره‌ای ویژگی‌ها، نیازها و مسائل خاص خود را دارد. قرآن به‌عنوان یک کتاب الهی، اصول کلی را ترسیم کرده تا در هر عصری، افراد از آن بهره‌برداری کنند. این نکته به‌معنای غیرقابل فهم بودن قرآن نیست، بلکه نشان‌دهنده زنده بودن، پویا بودن و کاربردی بودن قرآن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳).

قرآن در هر زمان و مکان به‌عنوان یک معجزه علمی و معرفتی با سؤالات و چالش‌های جدید مواجه می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۳). امام صادق (علیه السلام) در این زمینه فرموده است: «تازگی قرآن برای این است که خداوند آن را برای یک زمان یا مکان خاص نفرستاده است، بلکه قرآن همیشه تازه است» (محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۴۱۶ ق، ج ۸، ص ۷۰).

۲٫۳. نهایت‌ناپذیری فهم قرآن

با گذشت چهارده قرن، متخصصان بسیاری به کشف معانی قرآن پرداخته‌اند و هنوز هم هر روز معانی جدیدی از آن استخراج می‌شود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نخستین کسی است که به این ویژگی اشاره کرده است: «قرآن ظاهر و باطن دارد، ظاهر آن دستور است و باطن آن دانش است. آیات قرآن مشعل‌های هدایت و سرچشمه حکمت هستند» (کلینی، ج ۲، ص ۵۹۹).

آیات قرآن به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که فهم آن در هر زمان و مکان تکامل پیدا می‌کند. هرچه علم و عقل بشر پیشرفت کند، فهم قرآن نیز عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۵۳).

۳٫۳. تفاوت‌های فکری مردم و مراتب حقایق قرآن

قرآن کتابی است که به زبان مردم است، اما این بدان معنا نیست که همه افراد در یک سطح از آن بهره‌مند می‌شوند. انسان‌ها در درک قرآن بسته به ظرفیت ذهنی و روحی خود

متفاوت‌اند. قرآن دارای باطن‌های عمیق است که تنها افراد پاکیزه به آن دست می‌یابند (واقعه: ۷۹).

حمایت الهی از پیامبران، همسو با سیره عقلا و حکمت خداوندی

شبهه ۴: ابن‌وراق درباره پیامبر اسلام ﷺ می‌نویسد: در ساختار اسلام، خداوند نقشی درجه دوم پیدا می‌کند و دیگر موجودی برتر و متعالی نیست، بلکه موجودی قدرتمند و یگانه است که در خدمت اهداف سیاسی پیامبر قرار می‌گیرد؛ پیروزی‌های جنگی او را هموار می‌سازد، در شکست‌ها به او دلداری می‌دهد، مشکلاتش را با نزول آیاتی که به نفع اوست برطرف می‌کند، لغزش‌هایش را توجیه و حتی تحقق خواسته‌های غریزی پیامبر را مشروع جلوه می‌دهد.

این ادعا در نگاه نخست می‌کوشد وحی الهی را به ابزاری برای پیشبرد منافع شخصی یا سیاسی پیامبر تقلیل دهد و جایگاه خداوند را در نظام اعتقادی اسلام مخدوش سازد. در ادامه، این شبهه از منظر قرآن کریم مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

نقد و بررسی

۱. قرآن و خداشناسی

قرآن کریم خداوند متعال را حقیقتی معرفی می‌کند که فراتر از همه موجودات و بالاتر از هر قدرتی است. در منطق قرآن، هیچ موجودی در عرض خدا یا حاکم بر اراده او نیست. خداوند، یگانه، بی‌همتا، مالک مطلق آسمان‌ها و زمین و سرچشمه همه قدرت‌هاست. هر قدرتی که در عالم هستی وجود دارد، پرتویی از قدرت لایزال الهی است و بدون اراده او تحقق نمی‌یابد (توحید؛ بقره ۲۰ و ۱۰۷).

اراده الهی بر تمام هستی حاکم است و هرگاه چیزی را اراده کند، تحقق آن نیازمند هیچ واسطه‌ای نیست. خداوند دانای آشکار و نهان، حاکم حقیقی، منزّه از هر نقص و شریک و صاحب اراده‌ای نافذ و شکست‌ناپذیر است (یس: ۸۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۲۱). چگونه می‌توان پذیرفت که قرآن خدا را در جایگاهی درجه دوم قرار داده باشد؟ قرآنی که این‌گونه از عظمت، حاکمیت مطلق و بی‌نیازی خداوند سخن می‌گوید و پیامبر را «عبد»

خود معرفی می‌کند. نسبت دادن نقش ابزاری به خداوند در خدمت پیامبر، نه تنها با آیات قرآن سازگار نیست، بلکه در تعارض آشکار با بنیان توحید قرآنی قرار دارد.

۲. قرآن و جایگاه رسول خدا ﷺ

در نگاه قرآن، پیامبر اسلام ﷺ نه خالق وحی است و نه مفسر. دلخواه آن. قرآن به صراحت اعلام می‌کند که این کتاب، کلام خداوند و نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است؛ نه شعر است، نه کهانت و نه ساخته ذهن پیامبر یا حتی فرشته وحی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۴۷۹).

قرآن هشدار می‌دهد که اگر پیامبر کوچک‌ترین تحریفی در پیام الهی ایجاد کند یا سخنی را به دروغ به خدا نسبت دهد، با شدیدترین مجازات الهی روبرو خواهد شد. این آیات به روشنی نشان می‌دهد که پیامبر نه تنها اختیار تغییر وحی را ندارد، بلکه کاملاً در برابر آن مسئول و پاسخ‌گوست (حاقه: ۳۸-۴۸).

همچنین قرآن بارها به پیامبر دستور می‌دهد که از خواست کفار و منافقان پیروی نکند و تحت فشار آنان تصمیم نگیرد. حتی درخواست کفار برای تغییر یا جایگزینی قرآن با پاسخ قاطع پیامبر مواجه می‌شود که من حق ندارم از پیش خود چیزی را تغییر دهم و تنها تابع وحی الهی هستم (فرقان: ۵۲؛ احزاب: ۱ و ۴۸؛ قلم: ۸).

۳. حمایت پیامبران، بیانگر حکمت خداوندی برای پیشبرد اهداف متعالی

حمایت الهی از پیامبران نه نشانه ابزار شدن خداوند، بلکه جلوه‌ای از حکمت اوست. قرآن که کتاب هدایت بشر است، طبیعی است که برای تحقق این هدف، پیام‌آوران خود را یاری کند. گاه این حمایت در قالب آگاه ساختن پیامبر از نقشه‌های دشمنان جلوه می‌کند و گاه در شکل فراهم کردن زمینه‌های اجتماعی و تاریخی مناسب (انفال: ۳۰).

نقشه‌های کفار برای زندانی کردن، تبعید یا قتل پیامبر، نمونه‌ای از رویارویی همیشگی مستکبران با مصلحان الهی است، اما همان‌گونه که تاریخ نشان داده، این فشارها غالباً نتیجه‌ای معکوس داشته و زمینه‌ساز گسترش پیام الهی شده است؛ چنان‌که هجرت پیامبر به مدینه نقطه عطفی در پیشرفت اسلام بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۴۹).

دلداري دادن خداوند به پيامبر در برابر تکذيب و تمسخر دشمنان، نه از سر همدستي سياسي، بلکه براي حفظ روحيه پيام آور وحی و استمرار مأموريت الهی اوست. قرآن يادآور می شود که همه پيامبران پيشين نیز با تکذيب مواجه شدند و اين سنتی تاریخی است. از منظر عقل نیز بدیهی است که هر فرستنده‌ای از نماینده خود حمايت می کند و اگر خداوند پيامبرانش را رها می کرد، این خلاف حکمت و عقلانیت بود؛ بنابراین حمايت الهی، نه در خدمت اهداف شخصی پيامبر، بلکه در راستای اهداف متعالی الهی برای هدايت بشریت است.

۴. قرآن و اشاره به مسائل شخصی رسول خدا ﷺ

اشاره قرآن به برخی مسائل شخصی پيامبر، نه نشانه شخصی سازی وحی، بلکه خود دلیلی بر اهميت تربیتی و اجتماعی این مسائل است. قرآن با طرح این موضوعات، الگوهای ماندگار برای همه جوامع انسانی ارائه می دهد.

۱,۴. حرمت ازدواج با همسران پيامبر

قرآن همسران پيامبر را «مادران مؤمنان» معرفی می کند (احزاب: ۶) و ازدواج با آنان پس از رحلت پيامبر را ممنوع می سازد (طباطبایی، ج ۱۶، ص ۴۱۴). این حکم، برای جلوگیری از سوءاستفاده های سياسي، اجتماعی و اعتقادی صادر شد؛ زیرا چنین ازدواج هایی می توانست به تحریف دین یا ادعاهای دروغین منجر شود. اطرافيان رهبران جامعه باید از هر موقعیتی که زمینه سوءاستفاده را فراهم می کند پرهیز کنند، حتی اگر این امر به محدودیت شخصی آنان بینجامد.

۲,۴. دوری اطرافيان مسئولان جامعه از بیت المال

در ماجرای درخواست همسران پيامبر از غنایم جنگی، قرآن با صراحت مرز میان زندگی شخصی و بیت المال را ترسیم می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۹۷). پیام این آیات برای جوامع امروز بسیار کاربردی است: بیت المال ملک شخصی مسئولان نیست و هرگونه استفاده شخصی از آن، انحراف از عدالت و امانت داری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۰).

۳,۴. گناه بزرگان بیش از افراد معمولی

قرآن به همسران پیامبر هشدار می‌دهد که خطای آنان مجازاتی دوچندان دارد و در مقابل، اطاعت و عمل صالح نیز پاداشی دو برابر (احزاب، ۲۸-۲۹) این قاعده‌ای عمومی در مدیریت اجتماعی است: خطای نزدیکان مسئولان، آثار ویران‌گری دارد و اعتماد عمومی را از بین می‌برد (احزاب: ۳۰-۳۱).

روح تکامل‌یافته پیامبران، تشخیص‌دهنده وحی

شبهه ۵: بعضی بر این باورند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دلیل وجود القائنات شیطان و خواب‌های عادی، نمی‌تواند تشخیص دهد که کدام سخن از خداوند است و کدام از شیطان یا دیگر منابع. به‌ویژه با توجه به انواع مختلف وحی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا پیامبر می‌توانست به راحتی تشخیص دهد که وحی از سوی خداوند است یا خیر؟ چرا خداوند وحی‌ها را به شیوه‌های مختلف نازل کرده است؟ آیا نمی‌شد که همه وحی‌ها به‌طور مستقیم از جانب خداوند یا از طریق یک فرشته منتقل می‌شد تا هیچ نیاز به تشخیص نداشت؟

نقد و بررسی

۱. تشخیص وحی از غیروحی

این شبهه از آنجا نشئت می‌گیرد که برخی تصور می‌کنند وحی مانند دیگر آموزه‌های بشری است که ممکن است شک و تردید در آن وجود داشته باشد. آن‌ها این‌طور می‌پندارند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قادر به تشخیص تفاوت بین وحی الهی و القائنات شیطان نبوده است. این تصور از زمان نزول قرآن وجود داشت؛ به‌ویژه با اشاره به داستان‌های ساختگی همچون «ورقه‌بن نوفل» و «غرانیق» که گاهی مطرح می‌شد (احمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

۲. راه‌های دریافت وحی

۱,۲. وحی لدنی: این نوع وحی به‌صورت مستقیم از خداوند بدون واسطه هیچ موجود دیگری، حتی جبرئیل، به پیامبر نازل می‌شد. در این نوع وحی، پیامبر به سطحی از قرب معنوی می‌رسید که توانایی دریافت وحی مستقیم را از خداوند داشت (مئل: ۶؛ احمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۱).



۲،۲. **وحی با واسطه:** در این نوع وحی، جبرئیل یا فرشته‌ای دیگر پیام خداوند را به پیامبر می‌رساند. این نوع وحی به‌وضوح در قرآن آمده است: «فرود آورد به قلب تو، آن را روح‌الامین، تا تو مردم را از عذاب الهی بترسانی» (شعراء: ۱۹۴؛ شوری: ۵۱). هر دو نوع وحی به‌طور قطعی از هرگونه نفوذ شیطان یا تحریف مصون است (جن: ۲۸).

۳. حفظ وحی الهی

خداوند در قرآن وعده داده که وحی را از تحریف و دستبرد شیطان حفظ خواهد کرد. آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹). به‌وضوح بر این موضوع تأکید دارد؛ بنابراین هرگونه شبهه مبنی بر این که شیطان می‌تواند به وحی دستبرد بزند، با این وعده الهی نقض می‌شود.

۴. عدم تسلط شیطان بر پیامبران

قرآن به‌وضوح می‌فرماید که شیطان هیچ‌گونه تسلطی بر مؤمنان واقعی ندارد: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل: ۹۹). براساس این آیات، هیچ‌گاه شیطان نمی‌تواند به پیامبران وحی الهی را تغییر دهد یا القا کند؛ به‌ویژه پیامبر اسلام ﷺ که از صفات عصمت و خلوص برخوردار است، از هرگونه نفوذ شیطان مصون بوده است (اسراء: ۶۵؛ ابراهیم: ۲۲؛ ص: ۸۲-۸۳؛ طاهری، ج ۱، ۱۳۷۷).

۵. عصمت پیامبر

اگر پیامبر اسلام ﷺ نتواند تشخیص دهد که وحی از خداوند است یا از شیطان، این امر با عصمت او تناقض دارد. عصمت پیامبران به‌معنای مصونیت از هرگونه خطا و لغزش است. اگر پیامبر نتواند میان وحی واقعی و القائات شیطان تمایز قائل شود، این امر به‌طور آشکار با عصمت پیامبر منافات دارد (قاضی عیاض، ج ۲، ص ۱۱۸).

پیامبر اسلام ﷺ به‌دلیل عصمت و روح تکامل‌یافته‌ای که داشت، توانست به‌طور قطع میان وحی الهی و دیگر منابع تمایز قائل شود. همچنین خداوند وعده داده است که وحی الهی را از هرگونه تحریف و نفوذ شیطان مصون خواهد داشت و این امر به‌طور قطعی در تمام مراحل نزول وحی حفظ می‌شود.

قرآن وحی الهی نه اسلوب شعر عربی

شبهه ۶: شبهات زیادی پیرامون قرآن مطرح می‌شود که مدعی‌اند قرآن نمی‌تواند وحیانی باشد. یکی از این شبهات، اختلاف‌هایی است که میان شیعه و سنی در مورد «بسم الله الرحمن الرحیم» وجود دارد؛ چرا در برخی سوره‌ها به این عبارت افزوده شده و در برخی دیگر نه؟ یا چرا تعداد آیات قرآن به طور دقیق مشخص نیست و دیدگاه‌های مختلفی در این باره وجود دارد؟ این افراد معتقدند که پیامبر اسلام ﷺ قرآن را از شاعران عرب تقلید کرده است و برای پنهان کردن این تقلید، نام‌های متداول در شعر را تغییر داده است، به طوری که به جای «قصیده»، «سوره»، به جای «آیه»، «آیه»، و به جای «سجع»، «فاصله» را به کار برده است. به گفته این منتقدان، چون مردم در آن زمان زیبایی سخن را به جنیان نسبت می‌دادند، قرآن را نیز وحی‌ای از سوی جنیان می‌دانستند. اگر محمد پیامبر راستین بود، چرا باید قرآن را شبیه به آثار عربی می‌نوشت؟ آیات تحدی قرآن به عرب‌ها خطاب دارد، نه به پیامبر؛ یعنی اگر قرآن وحیانی است، عرب‌ها باید بتوانند متنی بیاورند که هیچ شباهتی به قرآن نداشته باشد، نه این که متنی مشابه قرآن بیاورند.

مقدمه

شیوه بیان و نظم قرآن، چینش خاص جملات و ترتیب واژه‌ها در قالبی جدید به مردم عرب ارائه شده بود. این نوع نظم و نگارش، نوآوری داشت، اما از چهارچوب‌های مرسوم سخنوری عربی خارج نبود. قرآن سه نوع از کلام‌های معروف عربی (شعر، نثر و سجع) را ترکیب کرده، درحالی‌که از محاسن هر یک بهره برده و معایب آن‌ها را ندارد. در اینجا باید بررسی کنیم که آیا اختلاف‌نظرهای جزئی مسلمانان درباره تعداد آیات و جزئیات دیگر (مانند «بسم الله الرحمن الرحیم») دلیل بر غیروحیانی بودن قرآن است، یا عدم تحریف قرآن، مقاومت در برابر تحدی‌های مخالفان و اعترافات مخالفان به بشری نبودن قرآن، بهترین دلیل بر وحیانی بودن آن است.

نقد و بررسی

۱. بسم الله الرحمن الرحيم جزئی از همه سوره‌ها

به اتفاق علمای شیعه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزو سوره حمد و همه سوره‌های قرآن است و ثبت آن در آغاز همه سوره‌ها، خود گواه زنده این امر است، زیرا به اتفاق مسلمانان در متن قرآن چیز اضافی نوشته نشده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۷؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۳۹).

فخر رازی دیگر دانشمند اهل تسنن نیز حدود هفده دلیل برای جزء تمام سوره‌های قرآن بودن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آورده و می‌نویسد: به حد تواتر رسیده است که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» کلام خداست که بر پیامبر نازل شد و در قرآن ثابت است؛ البته برخی از علمای اهل سنت و بعضی از قاریان کوفه می‌گویند که بسم الله فقط جزو سوره حمد است، و این احتمال بسیار سست و ضعیف می‌باشد (فخر رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۵).

بنابراین در این که «بسم الله» در همه سوره‌ها جزئی از همان سوره‌هاست، شکی نیست، اما اینکه در همه سوره‌ها به عنوان آیه مستقل است یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد و می‌توان گفت:

الف) بسم الله به جز در سوره فاتحه، آیه مستقل نیست و طبق روایت حفص از عاصم، حضرت علی (ع) این قرائت را تأیید نموده‌اند (حجتی، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۲۱).

ب) فخر رازی می‌گوید: «بسم الله» در سوره حمد به تنهایی يك آیه است و در سوره‌های دیگر قرآن جزئی از آیه اول محسوب گردد نه آیه جداگانه (خرمشاهی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۳۷۵).

۲. نام «سوره» انتخابی الهی

کلمه «سوره» از خود قرآن گرفته شده (رک: بقره/ ۲۳؛ توبه/ ۶۴، ۸۶، ۱۲۴، ۱۲۷؛ یونس/ ۳۸؛ هود/ ۱۳؛ نور/ ۱؛ محمد/ ۲۰). و بیانگر وحی الهی است و در لغت به معنی، منزلت، برتری و بلندی را گویند و به دیوار و حصار اطراف شهر سور گویند زیرا از شهر بلندتر است (رک: صاحب، اسماعیل، ۱۴۱۴ ق، ج ۸، ص ۳۶۶؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۲، ص ۶۹۰). سوره در اصطلاح، به دسته‌ای از آیات قرآن گفته می‌شود که میان دو «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قرار گیرد (سیوطی، ۱۳۶۰ ش، ج ۲، ص ۹۰).

۲. قرآن و شعر

۲.۱. ساحت قرآن منزله از شعر

مخالفان قرآن گاهی پیامبر را به شاعری متهم می‌کردند، اما قرآن به وضوح این اتهام را رد می‌کند: «ما هرگز شعر به او نیاموختیم و شایسته او نیست» (یس: ۶۹-۷۰). قرآن تأکید دارد که سخنان پیامبر نه شعر است و نه دچار تخیلات یا اغراق‌های شاعران است (انبیاء: ۵؛ شعراء: ۲۲۴-۲۲۷). شعر که از تخیلات و احساسات انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد، با وحی که از مبدأ هستی می‌آید، تفاوت اساسی دارد. قرآن بیانگر حقایق ثابت است، درحالی‌که شعر اغلب برمبنای احساسات متغیر است (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۱۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱۸، ص ۴۳۹).

۲.۲. تفاوت فاصله‌های قرآنی با سجع

«سجع» به نوعی از جملات اطلاق می‌شود که در آن، واژه‌های انتهایی دو جمله از نظر وزن یا حروف مشابهت دارند. در قرآن، این نوع ساختارهای مشابه (که به فاصله‌های آیات یا مقاطع قرآن معروف‌اند) متفاوت از سجع است. سجع در نثر به کار می‌رود و بیشتر به وزن آخر جملات توجه دارد، اما در قرآن، فاصله‌ها صرفاً برای تقسیم و تفاوت معنایی جملات هستند و وزن یا قافیه‌ای در آن مطرح نیست (طاهرخانی، ۱۳۸۳، ص ۸۳؛ مؤدب، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵؛ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۵۲؛ سیوطی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۸۶).

۳. مبارزه طلبی قرآن: سندی گویا بر وحیانی بودن آن

قرآن به وضوح از مخالفان خود چالش می‌طلبد که اگر می‌توانند مثل قرآن کلامی بیاورند، آن را بیاورند. قرآن با فصاحت و بلاغت خاص خود، به قدری ممتاز است که هیچ‌کس نمی‌تواند مشابه آن را بیاورد. حتی از بزرگان عرب و شاعران آن زمان نیز اعترافاتی وجود دارد که نشان می‌دهد قرآن با هیچ‌کدام از آثار بشری قابل مقایسه نیست. یکی از شاعران بزرگ عرب، ولیدبن مغیره، گفته است که قرآن هیچ شباهتی به کلام انسان و جن ندارد و از نظر حلاوت و شیرینی سخن، بی‌همتاست (طبرسی، ج ۵، ص ۳۸۷).

قرآن با ویژگی‌های خاص خود، معجزه‌ای است که نمی‌توان در آن تردید کرد. اگر قرآن



تنها از کلماتی ساده و بی‌معنی تشکیل می‌شد، نمی‌توانست تمام نیازهای بشر در طول تاریخ را پاسخ دهد، اما چون قرآن از ادبیات عرب جاهلی فراتر است و اعجاز آن در فصاحت و بلاغت نهفته است، هیچ‌کس توانایی آوردن مشابه آن را ندارد؛ پس قرآن نمی‌تواند کلام بشری باشد.

نامه‌نگاری رسول الله ﷺ به سران کشورها حقیقتی انکارناپذیر

شبهه ۷: با دلایل متعدد قرآنی می‌توان نشان داد که ادعای نامه‌نگاری پیامبر به سران کشورهایی چون ایران و روم بی‌اساس است؛ ابتدا این پرسش پیش می‌آید که چرا نامه سلیمان (علیه السلام) به ملکه در قرآن منعکس شده است، اما نامه محمد (صلی الله علیه و آله) به شاه ایران منعکس نشده است؟ درج کدام يك از این نامه‌ها در قرآن مهم‌تر بوده است؟ آیا قرآن در درجه اول باید پیام‌های محمد (صلی الله علیه و آله) را منعکس کند و رسالت او را تبیین کند یا پیام‌ها و گفت‌وگوهای سلیمان (علیه السلام) با هدهد و ملکه سبا را پوشش دهد؟

نقد و بررسی

۱. سیره انکارناپذیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در دعوت از سران کشورها به پذیرش اسلام

یکی از مسلمات تاریخ زندگانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دعوت آن حضرت از سران قدرت‌های بزرگ آن روز جهان و اعلان رسمی و جهانی دین و شریعت خود می‌باشد. متن این دعوت‌نامه‌ها، در کتاب‌های معتبر تاریخ اعم از شیعه و سنی ثبت و ضبط شده است (احمدی، سبحانی، بی‌تا، ص ۶۹۳).

بنابراین نامه‌نگاری‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به کشورها و قبایل مختلف در کتاب‌های تاریخی مسلمانان و غیرمسلمانان بر درستی و واقعیت داشتن آن بارها تصریح شده است و کتاب‌های مستقلاً به جمع‌آوری این نامه‌ها اختصاص یافته است مانند: مکاتیب الرسول احمدی میانجی؛ رسائل النبی و الوصی صادق آئینه‌وند؛ پژوهشی در نامه‌های پیامبر عزالدین ابراهیم و...

۲. درس‌هایی از زندگی رسول خدا ﷺ در قرآن کریم

زندگانی سراسر عبرت و هدایت‌پذیر بودن رسول خدا ﷺ بارها در قرآن کریم آمده است و نمی‌توان گفت قرآن به زندگی و عبرت‌ها و پندهای عصر رسول‌الله ﷺ توجهی ندارد و بالاتر از این، این‌که قرآن کریم حتی به مسائل به ظاهر خصوصی و در اصل درس‌آموز رسول خدا ﷺ و سرنوشت‌ساز دز زندگی رهبران و بزرگان دین نیز اشاره کرده است؛ مسائلی چون حفظ اسرار رهبری (تحریم: ۴-۳)، نحوه رفتار با همسران و وظایف همسران آن حضرت (احزاب: ۲۸-۳۴)، ازدواج رسول‌الله ﷺ (احزاب: ۵۰-۵۲) و... که همه بیانگر این واقعیت است که قرآن کریم مطالبی را بیان می‌کند که درسی برای هدایت جامعه و بهتر زندگی کردن مردم داشته باشد و از همین روست که در نقل داستان‌ها به جزئیاتی که اهمیت ندارد، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند؛ جزئیاتی چون تاریخ دقیق زندگی افراد، مدت عمر، نام افراد و...

۳. معیار ارزیابی اهمیت معارف قرآنی

قرآن کریم کتاب هدایت است و آنچه را مایه سعادت انسان‌هاست بیان می‌کند تا مردم آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند و در دنیا و آخرت به رستگاری برسند. از این‌رو گاه مطلبی را در آیه‌ای بیان می‌کند و برای تأکید بر پندگیری و هدایت‌پذیری، همان معنا را در آیه‌ای دیگر تکرار می‌کند. قرآن گاهی داستان‌هایی از گذشتگان نقل می‌کند و در کنار آن، به حوادثی که برای مسلمانان رخ داده اشاره دارد، اما در برخی موارد به رویدادهای معاصر مسلمانان نمی‌پردازد؛ زیرا مردم آن‌ها را با چشم خود می‌دیدند و نیازی به تکرار نبود. این شیوه نشان می‌دهد که اهمیت معارف قرآن در نقل همه وقایع تاریخی نیست، بلکه محور اصلی آن هدایت انسان و ارائه نکات آموزنده است. همچنین اگر قرآن به نامه‌نگاری‌های پیامبر اکرم ﷺ اشاره‌ای نکرده، به این دلیل است که آیات فراوانی به‌صراحت بر جهانی و جاودانه بودن رسالت قرآن تأکید دارند و مردم نیز با اعزام سفیران هدایت به سرزمین‌های مختلف، این رسالت جهانی را به‌طور عملی مشاهده می‌کردند.

قرآن کریم همواره به نکاتی می‌پردازد که پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی بشر باشد و برنامه‌ای برای رشد و تعالی جامعه ارائه دهد. با توجه به تصریح آیات متعدد بر جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام ﷺ و مشاهده عملی آن از سوی مردم، نقل چنین داستان‌هایی

پیام تازه‌ای فراتر از این حقیقت نداشت. قرآن کتاب تاریخ نیست که همه رویدادها را ثبت کند؛ از این‌رو، از تکرار گزارش‌هایی مانند نامه‌نگاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سران مناطق مختلف خودداری کرده و تمرکز خود را بر هدایت و تربیت انسان‌ها قرار داده است.

۴. چرایی ذکر قصه حضرت سلیمان علیه السلام و نیامدن نامه‌نگاری‌ها در قرآن

۱,۴. شئون الهی بودن حکومت پیامبران

برخی از پیامبران در زندگی خویش اداره جامعه و رهبری مردم را به‌عهده گرفته و مردمی‌ترین حکومت را تشکیل داده‌اند؛ چرا که ولایت و زعامت سیاسی پیامبران يك شأن الهی بوده است. تشکیل حکومت توسط رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حکومت حضرت سلیمان علیه السلام نیز یکی از همین شئون الهی بود که برای پیشبرد اهداف متعالی از این شأن خدایی بهره بردند و اگر برخی از پیامبران تشکیل حکومت نمی‌دادند بدان سبب بود که زمینه اجتماعی فراهم نبود؛ بنابراین پیامی که قرآن کریم از داستان حضرت سلیمان علیه السلام گرفته می‌شود این است که به همگان اعلام دارد هر پیامبری همان‌گونه که از سوی خدا به پیامبری مبعوث شده است، به حکومت نیز مبعوث شده است و از جمله این پیامبران، رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد که حق حکومت دارد.

۲,۴. نامه‌نگاری رسول الله صلی الله علیه و آله دلیل بر جهانی بودن رسالت

مردمان عصر نزول قرآن کریم نامه‌نگاری رسول الله صلی الله علیه و آله را به کشورها می‌دیدند و ممکن بود این پرسش برایشان پیش آید که چنین کاری سابقه ندارد و قرآن کریم با نقل چنین داستان‌هایی می‌خواهد این پیام را برساند که جهانی بودن رسالت پیامبران قابل خدشه نیست و نمونه بارزش همین نامه‌نگاری حضرت سلیمان به ملکه سبأ علیه السلام است.

۳,۴. آیات جهانی بودن رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله علت نیامدن نامه‌نگاری‌ها در قرآن

خداوند متعال رسالت جهانی رسول الله صلی الله علیه و آله را به‌صراحت بیان کرده است و با این همه دلایل دیگر نیازی به آمدن نامه‌نگاری‌ها در قرآن نبود؛ زیرا قرآن از تکراری که ثمره نداشته باشد خودداری می‌کند و جهانی بودن رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آیات قرآن جای هرگونه

تردیدی را از میان برمی‌دارد و حتی اگر کسی در اصل این نامه‌نگاری‌ها تردید کند و یا بالاتر از تردید، حتی اگر چنین نامه‌نگاری‌ها اصلاً اتفاق هم نمی‌افتاد، باز قرآن کریم بر جهانی بودن رسالت رسول خدا ﷺ دلالت داشته است.

با این نگرش نیازی به آمدن همه اتفاق‌های تاریخی در قرآن کریم نمی‌باشد.



فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد، عیون اخبارالرضا، ج ۱، چ ۱، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۳. ابن هشام، سیره ابن هشام، ج ۱، مصر: مطبعة المصطفی.
۴. احمدی، علی، مکاتیب الرسول، ۱۳۷۹.
۵. احمدی، حبیب الله، پژوهشی در علوم قرآن، قم: فاطیما، ۱۳۸۱.
۶. آریان، «مجازگویی و رمزگرایی در متون مقدس دینی»، معرفت، ش ۴۸، ۱۳۸۰.
۷. اسمیت، مذاهب انسانی، در «اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب»، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۸. پورت، جان دیون، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، بی تا: نشر دارالتبلیغ، بی تا.
۹. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: هاشم حسینی، چاپ سوّم، کتابفروشی اسلامیة، سال ۱۳۵۸، ص ۱۴۱.
۱۰. جوادی آملي، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۱.
۱۱. جوادی آملي، عبدالله، تفسیر موضوعي قرآن کریم - قرآن در قرآن - چ ۱، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۱۲. جوهری، الصحاح، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. حسینی، یدالله، «انسان و اسطوره»، کتاب ماه (هنر)، ش ۷۵، ۷۶.
۱۴. رضائی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، چ ۱، قم: اسوه، ۱۳۷۵.
۱۵. ساجدی، «واقع‌نمایی گزاره‌های قرآن»، قبسات، ۱۳۸۱، ش ۲۵.
۱۶. ساجدی، زبان دین و قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.
۱۷. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، بی تا.

۱۸. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۱۱، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۰.
۱۹. سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۳.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲: ۳، قاهره، ۱۳۶۰.
۲۱. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، ج ۶، مصر: حلبی.
۲۲. شادی نفیسی، عقلگرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۳. طاهرخانی، جواد، بلاغت و فواصل قرآن، ج ۱، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۲۴. طاهری، حبیب‌الله، درس‌هایی از علوم قرآنی، ج ۱، قم: اسوه، ۱۳۷۷.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ۵، قم: مؤسسه اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۱ ق.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، محمدباقر، ج ۱۶، ص ۴۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۷، ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۳۰. طبرسی، فضل، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۳۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، قاهره: بی‌نا، ۱۳۵۸ ق.
۳۲. طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. غزالی، ابوحامد، احیاء العلوم، ج ۱، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۸ ق.
۳۴. قاضی عیاض، موسی، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۲.
۳۵. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.

۳۶. کارلیل، الابطال، تعریب محمد السباعی، قاهرة: المطبعة المصرية، ۱۳۴۹ ق.
۳۷. کلینی، محمد، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۸، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳۹. مطهری، مرتضی، پیامبر امی، انتشارات صدرا.
۴۰. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، چ ۲، قم: مؤسسه النشر-الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، چ ۲۸، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸، چ ۸، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۰.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ۱۶ و ۱۷، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۶. مؤدب، رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، چ ۱، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۹.
۴۷. میرچا الیاده، اسطوره رؤیا، راز، ترجمه رؤیا منجم.
۴۸. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، چ ۴، تهران: اسوه، ۱۳۸۱.
۴۹. واگلیری، لراواکسیا، پیشرفت سریع اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، قم: نشر روح، بی تا.
۵۰. 59. Torrey, The Jewish Foundation of Islam, p. xvii.